



علم و علم آموزی در اسلام / علم مورد سفارش اسلام چیست

در کتب اسلامی در ردیف سایر دستورهایی از قبیل نماز و روزه و حج و جهاد و امر به معروف ...

در کتب اسلامی در ردیف سایر دستورهایی از قبیل نماز و روزه و حج و جهاد و امر به معروف و نهی از منکر بابی هم تحت عنوان "باب وجوب طلب العلم" وجود دارد و علم به عنوان یکی از فرائض شناخته شده است.

به گزارش خبرگزاری مهر، بیش از چهارده قرن از ظهور اسلام و نزول قرآن می گذرد. در همه این چهارده قرن، علم در حال تطور و تکامل و پیشرفت است. مخصوصاً در سه چهار قرن اخیر ترقی علم به صورت جهشی بوده است. در اینکه در اسلام راجع به علم تأکید و توصیه شده و در کمتر موضوعی و شاید نسبت به هیچ موضوعی اینقدر توصیه و تأکید نشده، بحثی نیست.

از قدیمی ترین زمانی که کتب اسلامی تدوین شده، در ردیف سایر دستورهای اسلامی از قبیل نماز و روزه و حج و جهاد و امر به معروف و نهی از منکر بابی هم تحت عنوان "باب وجوب طلب العلم" باز شده و علم به عنوان یکی از فرائض شناخته شده است.

گذشته از آیات قرآن کریم موکدترین و صریحترین توصیه های رسول خدا (ص) درباره علم است. این جمله از مسلمات همه مسلمانهاست که رسول خدا (ص) فرمود طلب العلم فریضه علی کل مسلم؛ تعلم و دانشجوئی بر هر مسلمانی فرض واجب است. اختصاص به طبقه ای درون طبقه ای، به جنسی دون جنس ندارد. هر کس مسلمان است باید دنبال علم برود.

پیامبر (ص) همچنین فرمود: اطلبوا العلم و لو بالصین؛ علم را پی جویی کنید و لو مستلزم این باشد که تا چین سفر کنید. یعنی علم مکان معین ندارد، هر نقطه جهان که علم هست بروید و اقتباس کنید. باز فرمود: کلمه الحکمه ضاله المومن فحيث وجدها فهو احق بها؛ سخن علمی و حکیمانه و متقن گمشده مومن است، هر جا آن را بیابید معطل نمی شود، آن را مال خودش می داند و بر می دارد. یعنی اهمیت نمی دهد که طرف کیست، مسلمان است یا کافر. همان طوری که آدمی مال خود را گم کرده در دست هرکس ببیند معطل نمی شود و بر می دارد، مومن نیز علم را مال خود می داند، در دست هر که ببیند آن را می گیرد.

امیر المومنین علی(ع) همین کلمه را توضیح می دهد: حکمت گمشده مومن است، پس به دنبالش بروید و لو آنکه آن را در نزد مشرکان بیابید، شما از او شایسته تر و سزاوارتر خواهید بود.

علم فریضه ای است که نه از لحاظ معلم و نه از لحاظ زمان و نه از لحاظ مکان محدودیت ندارد، و این عالیتترین و بالاترین توصیه ای است که می توانسته بشود و شده است. اما بحث درباره این علم، کدام علم است نیز بحثی جدی است.

در اینجا این سوال مطرح است که منظور اسلام از علم چه علمی است؟ ممکن است کسی بگوید مقصود از همه این تأکید و توصیه ها علم خود دین است. یعنی همه به این منظور گفته شده که مردم به خود دین عالم شوند و اگر از نظر اسلام از علم، علم دین باشد در حقیقت به خودش توصیه کرده و درباره علم به معنی اطلاع بر حقایق کائنات و شناختن امور عالم چیزی نگفته و اشکال به حال او

باقی می ماند، زیرا هر مسلکی هر اندازه هم ضد علم باشد و با آگاهی و اطلاع و بالا رفتن سطح فکر و معلومات مردم مخالف باشد با آشنایی با خودش مخالف نیست، بلکه خواهد گفت با من آشنا باشید و با غیر من آشنا نباشید. پس اگر منظور اسلام از علم، خصوص علم دینی باشد باید گفت موافقت اسلام با علم صفر است و نظر اسلام درباره علم منفی است.

برای کسی که درست با اسلام و منطق اسلام آشنا باشد جای این احتمال نیست که بگوید نظر اسلام درباره علم منحصرأ علوم دینی است. این احتمال فقط از ناحیه طرز عمل مسلمین در قرنهای اخیر که تدریجاً دایره معلومات را کوچکتر کردند و معلومات خود را محدود کردند پیدا شده و الا آنجا که می فرماید حکمت گمشده مومن است پس آن را به چنگ آورید ولو اینکه بخواهید از دست مشرکان بگیرید، معنی ندارد که خصوص علوم دینی باشد. مشرک را با علوم دین چه کار.

در جمله اطلبوا العلم و لو بالصین، چین به عنوان دورترین نقطه و یا به اعتبار اینکه در آن ایام یکی از مراکز علم و صنعت جهان بوده یاد شده است. قدر مسلم این است که چین نه در آن زمان و نه در زمانهای دیگر مرکز علوم دینی نبوده است.

گذشته از همه اینها در متن سخنان رسول اکرم (ص) تقیید و تحدید و تفسیر شده که مقصود چه علمی است اما نه تحت عنوان اینکه فلان علم باشد یا فلان علم، بلکه تحت عنوان علم نافع، علمی که دانستن آن آثار خوب و مفید داشته باشد، آن علم از نظر اسلام خوب و مورد توصیه و تشویق است.

پس حسابش روشن است، باید دید اسلام چه چیز را فایده و چه چیز را ضرر می داند. هر علمی که به منظوری از منظورهایی فردی یا اجتماعی اسلام کمک می دهد و دانستن آن سبب زمین خوردن آن منظور می گردد، آن علم را اسلام توصیه می کند و هر علمی که در منظورهایی اسلامی تاثیر ندارد اسلام درباره آن علم نظر خاصی ندارد، و هر علم که تاثیر سوء دارد با آن مخالف است.